

گفتۀ ترین

ایا گل ارزو، گفتۀ ترین!  
رازِ زینبائی نهفته ترین  
نور بیداری، ای ستاره گاه صبح!  
ما تو "زنای خفته" حفته ترین  
گفتۀ ام پرده گفتی بودم  
قصه عاشقی گفتۀ ترین  
تو و طرب آن همه احس  
من دامن سخن نامنقشۀ ترین  
کسی تراودنم دیدارت!  
به چمن زارم از گفتۀ ترین!

+ + +

۹ راله  
لندل ادب ۱۹۹۸